



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

حکم بازسازی

قبور انبیا و اولیا علیهم السلام

و عبادت در آنها

سید مرتضی عسکری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حکم بازسازی قبور انبیا و اولیا علیهم السلام و عبادت در آنها

نویسنده:

سید مرتضی عسکری

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	حکم بازسازی قبور انبیا و اولیا علیهم‌السلام و عبادت در آنها
۶	مشخصات کتاب
۶	دلایل معتقدان به تحریم بنا بر قبور
۷	اشکال و خدشه در روایات
۷	اوضاع مدینه پیش از هجرت
۷	زمان و مکان مأموریت
۸	اشکال و خدشه در روایات بخش دوم
۸	درباره قبور انبیای بنی اسرائیل
۹	معبد یهود و عبادتگاه بنی اسرائیل
۹	دلایل کسانی که ساختن مسجد و عبادتگاه بر قبور انبیاء و اولیاء را جایز می دانند
۹	در قرآن کریم
۱۰	در سنت رسول الله
۱۰	قبر رسول خدا در مدینه
۱۰	ثواب زیارت قبر رسول خدا
۱۱	زائران قبر رسول خدا از اهل بیت و صحابه
۱۱	خلاصه و نتیجه بحثها
۱۲	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## حکم بازسازی قبور انبیا و اولیا علیهم السلام و عبادت در آنها

### مشخصات کتاب

- سرشناسه: عسکری سیدمرتضی ۱۲۹۳ - ۱۳۸۶.
- عنوان و نام پدیدآور: حکم بازسازی قبور انبیا و اولیا علیهم السلام و عبادت در آنها مرتضی عسکری مترجم محمدجواد کرمیه
- سفارش سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی.
- مشخصات نشر: تهران منیر ۱۳۸۷.
- مشخصات ظاهری: ۵۵ ص. مصور؛ ۱۱ × ۱۶ س.م.
- فروست: برگستره کتاب و سنت ۱۲.
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۱۱۶-۲
- وضعیت فهرست نویسی: فاپا
- یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
- موضوع: زیارت — دفاعیه‌ها و ردیه‌ها
- موضوع: فتوهای شیعه — قرن ۱۴
- شناسه افزوده: کرمی محمدجواد، ۱۳۳۲ -، مترجم
- شناسه افزوده: سازمان اوقاف و امور خیریه. معاونت فرهنگی
- رده بندی کنگره: ۱۳۸۷/۷/۲۲۶/۵/ع/ح ۸
- رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۶
- شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۱۱۸۰۵

### دلایل معتقدان به تحریم بنا بر قبور

مسلمانان در موضوع بازسازی و عمارت بر قبور انبیا و اولیاء، و طواف پیرامون آنها، و مسجد و عبادتگاه قرار دادن این قبور، با یکدیگر، اختلاف کرده اند. معتقدان به تحریم به روایاتی استدلال می کنند که مهمترین آنها اینهاست:

الف) از امام علی(ع) روایت کرده اند که فرموده:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي جَنَازِهِ فَقَالَ: أَيُّكُمْ يَنْطَلِقُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَا يَدْعُ بِهَا وَ تَنَاءً، إِلَّا كَسْرَهُ، وَلَا قَبْرًا إِلَّا سَوَاهُ، وَلَا صُورَةَ إِلَّا لَطَخَهَا؟ فَقَالَ رَجُلٌ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَنْطَلِقُ فَهَابَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ، فَرَجَعَ. فَقَالَ عَلِيٌّ: أَنَا أَنْطَلِقُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: فَأَنْطَلِقُ. فَأَنْطَلِقُ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَمْ أَدْعُ بِهَا وَ تَنَاءً إِلَّا كَسْرَتُهُ وَ لَا قَبْرًا إِلَّا سَوِيَّتُهُ، وَ لَا صُورَةَ إِلَّا لَطَخْتُهَا؛

علی(ع) فرموده: «رسول خدا(ص) در تشییع جنازه ای بود که فرمود: کدام یک از شما به سوی مدینه می رود تا همه بتهای آنجا را شکسته و همه قبرهای آن را صاف و همه صورتها (مجسمه های) آن را دگرگون کند؟» مردی گفت: «من ای رسول خدا!» او رفت و از مردم مدینه ترسید و بازگشت. علی(ع) گفت: «ای رسول خدا(ص) من بروم؟» فرمود: «برو.» او رفت. سپس بازگشت و گفت: «ای رسول خدا(ص)! همه بتها را شکستم، همه قبرها را صاف کردم و همه صورتها را واژگون نمودم.»

این روایت در کتابهای حدیثی تکرار شده و ما کاملترین عبارت آن را آوردیم. [۱].

ب) از رسول خدا(ص) روایت کرده اند که فرموده:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَ ثَنًا، لَعَنَ اللَّهُ قَوْمًا اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ؛

پروردگارا قبر مرا بت مگردان، خدا لعنت کند گروهی را که قبور انبیایشان را مسجد گزیدند [۲].

در روایت دیگری رسول خدا(ص) آنانی را که قبور انبیای خود را مسجد گزیده اند معرفی کرده و فرموده:

قَاتَلَ اللَّهُ الْيَهُودَ، إِتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ؛

خدا بکشد یهود را، آنان قبور انبیایشان را مسجد گزیدند [۳].

ج) استدلال بدانچه از رسول خدا(ص) درباره نهی زنان از زیارت قبور روایت شده، مانند آنچه ابن ماجه و ترمذی و ابوداود با اسناد خودشان در سنن از ابوهریره و حسان و ابن عباس آورده اند که:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَعَنَ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ؛

رسول خدا(ص) زنهای زیارت کننده قبور را لعنت فرموده است [۴].

## اشکال و خدشه در روایات

### اوضاع مدینه پیش از هجرت

پیامبر اکرم(ص) پس از آنکه برخی از مردم مدینه اسلام آوردند، پیش از هر کار، ابتدا مصعب بن عمیر را برای یاد دادن احکام آنروزین اسلام به تازه مسلمانان، به سوی آنان گسیل داشت، زیرا تنها بخشی از مردم مدینه در سفری که به حج رفتند در عقبه حاضر شده و با رسول خدا(ص) مخفیانه بیعت کرده بودند، و اسلام در میان آنان گسترش نیافت مگر آنگاه که رسول خدا(ص) به سوی ایشان هجرت کرد، و آنان به تدریج به اسلام گرویدند. امام علی(ع) نیز، پس از سه روز یا بیشتر، در پی آن حضرت روان شد. داستان ورود پیامبر(ص) به مدینه نیز، معروف و مشهور است. و نیز، رسول خدا(ص) پس از آنکه با یهود بنی قریظه و بنی النضیر و بنی قینقاع پیمان نامه منعقد کرد، حکومت خود بر مدینه را به تدریج بسط و گسترش داد. حال، با چنین روندی که از شروع و توسعه و گسترش اسلام در مدینه می دانیم، سؤال این است که: رسول خدا(ص) در کجا و چه وقت، در حالی که در تشیع جنازه بوده، امام علی(ع) را به مدینه فرستاده تا بتها را نابود، قبرها را صاف و پیکره ها را واژگون نماید؟ آن هم از موضع قدرت و بمانند فرمانروایی که سرپیچی از فرمانش ممکن نیست؟ اضافه بر آن، فرستاده نخستین که می رود و ترسان بازمی گردد، پیامبر و دیگران همچنان در تشیع جنازه بوده اند!

سپس پیامبر(ص) امام علی(ع) را بعد از او فرستاده و آنان همچنان در تشیع جنازه بوده اند! این چگونه ممکن می شود؟

### زمان و مکان مأموریت

در دنباله روایت آمده است که امام علی(ع) به ابوالهیاج اسدی فرمود:

أَبْعَثْكَ فِيمَا بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَمَرَنِي أَنْ أُسْوِيَ كُلَّ قَبْرِ وَأَطْمَسَ كُلَّ صَنْمٍ [۵].؛

من تو را به کاری مأمور می کنم که رسول خدا(ص) مرا مأمور آن کرد: فرمانم داد تا همه قبرها را صاف و همه بتها را نابود کنم.

مسلم است که امام(ع) ابوالهیاج اسدی را تنها در دوران حکومت و خلافت خویش مأموریت داده است. بنابراین، باز هم این سؤال پیش می آید که: مأموریت امام(ع) به ابوالهیاج در کجا و چه وقت بوده است؟

در عصر خلافت امام علی(ع) و پس از فتوحات اسلامی و پس از دوران خلفای سه گانه یا پیش از آن؟ امام(ع) ابوالهیاج را به کدام یک از سرزمینها فرستاده تا قبرها را ویران و صاف و بتها را محو و نابود کند؟

ختم سخن آنکه، در هر دو روایت، فرمان صادره از رسول خدا(ص) و امام علی(ع) - اگر هر دو خبر صحیح باشد - فرمان نابودی و ویرانی قبور مشرکین در سرزمین شرک است. گسترش این حکم به قبور مسلمانان و وجوب ویرانی آنها از کجای روایت به دست می آید؟

## اشکال و خدشه در روایات بخش دوم

### درباره قبور انبیای بنی اسرائیل

در باب بیست و پنجم سفر پیدایش تورات روایتی است که فشرده آن چنین است:

ابراهیم(ع) وفات کرد و اسحاق و اسماعیل او را در غار مکفیله در صحرای عفران بن صوحار حثی در مقابل ممرا دفن کردند. [۶].  
و در باب پنجاهم آمده است: هنگامی که یعقوب در مصر وفات کرد فرزندش یوسف او را به غار مکفیله آورد و در کنار پدر و جدش دفن کرد.

و در باب دهم از سفر اعداد آمده است: هارون وفات کرد و برادرش موسی او را بقاقت بر فراز کوه هور دفن کرد.

و در باب سی و چهارم از سفر تثیبه آمده است:

موسی(ع) در سرزمین موآب وفات کرد و در جواء مقابل خانه فغور دفن گردید و هیچ انسانی تا به امروز قبر او را نمی داند.  
و در باب بیست و چهارم از سفر یوشع آمده است: او را در کوه افرایم دفن کردند. و استخوانهای یوسف در شکیم دفن شده است.  
و از مدفن داود و سلیمان در اسفار تورات ذکری نیست. صاحب کتاب قاموس کتاب مقدس در معرفی و ترجمه صهیون گوید:  
مدفن داود و سلیمان شناخته نشده است.

در ماده الخلیل معجم البلدان آمده است:

الخلیل نام موضع و شهری است نزدیک بیت المقدس به فاصله یک روز راه، دارای قلعه ها و ساختمانها و بازار که قبر ابراهیم خلیل(ع) در آنجا و در غاری زیر زمین است. آنجا زیارتگاه و محل اجتماع و مهمانسرای زائران است و آن موضع را الخلیل گویند؛ نام اصلی اش حبرون یا حبری است.

در تورات است که خلیل(ع) محلی را از عفران بن صوحار حثی به مبلغ چهارصد درهم نقره خریداری و ساره را در آن دفن کرده است. گروهی از اهل حدیث بدانجا منسوب اند. آنجا محلی پاک و روح افزاست که آثار برکت بر آن هویدا است. می گویند: قلعه آن از بنای سلیمان بن داود(ع) است.

هروی گفته است: «در سال ۵۶۷ هجری وارد «بیت المقدس» شدم. در آنجا و در شهر «الخلیل» با بزرگانی از اهل حدیث گرد آمدم. آنان برای من روایت کردند که در سال ۵۱۳ هجری در دوران ملک بردویل محلی در غار الخلیل فرو رفت؛ گروهی از فرنگیان با اجازه شاه وارد آن شدند و ابراهیم و اسحاق و یعقوب(ع) را در آنجا یافتند؛ کفنهایشان پوشیده بود و آنان به دیواری تکیه داشتند؛ بالای سرشان قندیلهایی آویزان و سرهایشان باز بود؛ پادشاه دوباره بر آنان کفن پوشانید و محل فرو رفته را مسدود کرد.

گوید: نزد سلفی خواندم: «مردی که ارمنی اش می گفتند، قصد زیارت الخلیل کرد و هدایای فراوانی به متولی آن محل داد و از او خواست تا امکان فرود و دیدار جسد ابراهیم(ع) را برایش فراهم کند. پاسخ شنید: «اکنون نمی شود ولی اگر بمانی تا خلوت شود و زائران بروند، انجام خواهم داد.» هنگامی که زائران رفتند سنگی را کنار زد و چراغی بر گرفت و با یکدیگر به اندازه هفتاد درجه به سوی غاری که هوای فراوانی در آن جریان داشت فرود آمدند. در غار سکویی بود که ابراهیم(ع) بر روی آن خوابیده و جامه سبزی بر روی او پوشیده بود و هوای جاری در غار با ریش سفیدش بازی می کرد. اسحاق و یعقوب نیز در کنار او بودند. سپس او



را به نزدیک دیوار غار آورد و به او گفت: ساره پشت این دیوار است. او خواست تا پشت دیوار را نظاره کند که ناگهان صدایی برخاست: «از نزدیک شدن به حرم پرهیز!» او گفته است: (با شنیدن صدا) از همانجا که پایین رفته بودم بازگشتم [۷].»

در جلد اول تاریخ ابن عساکر در این باره مطلبی آمده که فشرده آن چنین است:

«هنگامی که پس از سال ۸۶ هجری جامع دمشق را به دستور ولید بن عبدالملک (متوفای ۹۶ هجری) حفر می کردند، سر یحیی بن زکریارادر سبلی در صندوق و در زیر یکی از پایه های گنبد یافتند و آن را به همان گونه در زیر ستونی از ستونها قرار دادند.»

در تورات و غیر تورات ذکری از قبور دیگر انبیای بنی اسرائیل نیامده و مدفن لوط و یوشع و ایوب و عزیر و زکریا(ع) شناخته نشده است. عیسی بن مریم(ع) را هم که خداوند به سوی خود بالا برد.

### معبد یهود و عبادتگاه بنی اسرائیل

عبادتگاه بنی اسرائیل - یهود - که «تابوت عهد» در آن بود، خیمه اجتماع نام داشت. در باب «۲۵ تا ۲۸» سیفر خروج تورات چگونگی فرمان خدا به پیامبرش موسی(ع) درباره ساخت آنها، و در باب «۲۹-۳۰» چگونگی فرمان خدا به بنی اسرائیل - آنگاه که در صحرا بودند - برای عبادت در خیمه اجتماع، آمده است.

بنی اسرائیل به هر جا که می رفتند «خیمه و تابوت» را با خود برمی داشتند تا آنگاه که به سرزمین فلسطین رسیدند. داود(ع) در آنجا مقدمات بنای معبدی بر سبک و سیاق خیمه اجتماع را برای آنان فراهم آورد و سلیمان(ع) آن را بنیان نهاد و خیمه اجتماع و تابوت را در آن جای دادند.

### دلایل کسانی که ساختن مسجد و عبادتگاه بر قبور انبیا و اولیاء را جایز می دانند

ما، در بحث و بررسی «تشکیل مجالس بزرگداشت برای انبیا و صالحین»، چگونگی گسترش و تأثیر «برکت و شومی» بر زمان و مکان را - به واسطه آنچه در هر یک از آنها بر بندگان خدا وارد آمده - بیان داشتیم. در این بحث، دوباره بدانجا بازگشته و به اذن خدای متعال - موارد ذیل را بر آن افزوده و می گوئیم:

### در قرآن کریم

معتقدان به صحت عبادت در محل قبر انبیا و اولیای خداوند می گویند: خدای متعال در قرآن کریم فرموده:

الف) وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی؛ [۸].

و از مقام ابراهیم عبادتگاهی بگیرید.

ب) قَالَ الَّذِينَ عَلَّمُوا عَلَىٰ أُمَّرِهِمْ لَنَنخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا؛ [۹].

آنان که بر حالشان (اصحاب کهف) آگاه شدند گفتند: بر جایگاهشان مسجدی بنا خواهیم کرد.

داستان مقام ابراهیم(ع) را در بحث از «مجالس بزرگداشت انبیا و بندگان صالح خدا» آوردیم. فشرده آن، بنا بر آنچه بخاری در صحیح خود آورده چنین است:

«کار اسماعیل و ابراهیم(ع) به هنگام ساختن بیت الله آن بود که اسماعیل سنگ می آورد و ابراهیم بنا می کرد تا آنگاه که دیوار بالا رفت. اسماعیل این سنگ (مقام ابراهیم) را آورد. ابراهیم بر روی آن ایستاد و اسماعیل سنگ به دستش می داد تا بنا را بالا برد.

مقام ابراهیم(ع) که خداوند فرمانمان داده تا از آن عبادتگاه و مصلا بگیریم همین جا است.»

فشرده داستان اصحاب کهف در تفاسیر

اصحاف کهف، گروهی از جوانمردان دربار دقیانوس بودند. پادشاهی که ادعای ربوبیت کرد. آنان مخفیانه به پروردگارشان ایمان آورده، از نزد پادشاهشان گریخته و به غاری پناه آوردند. خداوند گوش و هوش آنان را گرفته و خواب چند ساله را بر ایشان چیره و سپس آنان را بیدار کرد. آنها فردی از خود را برای تهیه غذا به شهر فرستادند. مردم شهر با دیدن سکه های قدیمی آنان، به رازشان پی بردند. مردم شهر در آن وقت مؤمن بودند و از داستان فرار یک گروه مؤمن از شهر، برای حفظ دین خود، آگاهی داشتند، لذا هنگامی که جایگاه آنان را دانستند، به سوی غار شتافتند. این خبر به آن جوانمردان رسید و آنان که خوش نداشتند دوباره به شهرشان بازگردند از خدا خواستند تا آنان را بر حالی که بودند بازگرداند. خداوند بار دیگر آنان را بسان مردگان در خواب کرد. مردم شهر دوباره چگونگی برخورد با آنان به بحث و جدال با هم پرداختند، و آنانکه بر حال اصحاب کهف آگاه شده بودند، گفتند: بر جایگاهشان مسجدی بنا می کنیم [۱۰].

نتیجه بحث

در آیه اول، خداوند متعال فرمانمان داد تا از جای چای ابراهیم(ع) نمازگاه بگیریم و در پس آن خدا را عبادت کنیم. این کار به هیچ روی شرک نیست بلکه توحید عبادی و عین اطاعت از خدای سبحان است. در آیه دوم، خداوند از مؤمنینی خبر داده که مصمم شدند تا بر خوابگاه آن جوانمردان مؤمن مسجدی بسازند و خدای سبحان را در آنجا عبادت کرده و برای او سجده نمایند. اینان همه مؤمن بودند نه مشرک! خداوند نیز آنان را بر این کارشان مذمت نفرموده است.

این دو نمونه را از کتاب خدا بیان داشتیم. در سنت رسول خدا(ص) نیز نمونه هایی است که بیان می داریم:

### در سنت رسول الله

مختصر تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۲، ص ۱۰۰. @.

ابن سعد در طبقات پس از آوردن مشروح این خبر سخنی دارد که فشرده آن چنین است: «رسول خدا(ص) هنگامی که در راه عمره حدیبیه به ابواء رسید نزد قبر مادرش آمنه آمد، آن را اصلاح کرد و در کنار آن گریست. مسلمانان هم به خاطر گریه رسول خدا گریستند.»  
خبر گریستن رسول خدا بر سر قبر مادرش و گریستن صحابه در سایر کتابهای حدیثی نیز آمده است [۱۱].

### قبر رسول خدا در مدینه

در طبقات ابن سعد و سیره ابن هشام روایتی است که فشرده آن چنین است: «رسول خدا(ص) در خانه خود، در همان اطاقی که جان به جان آفرین تسلیم کرد، دفن گردید. پس از آن هر یک از دو خلیفه، ابوبکر و عمر نیز، در آنجا دفن شدند. سپس این گنبد سبز رنگ را بر فراز آن بنا کردند [۱۲].»

### ثواب زیارت قبر رسول خدا

دارقطنی در سنن، طبرانی در معجم و فاکهی در اخبار مکه با اسناد خودشان از ابن عمر آورده اند که گفت:  
قال رسول الله(ص): مَنْ حَجَّ فَرَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَأَنَّ زَارَنِي فِي حَيَاتِي؛  
رسول خدا(ص) فرمود: هر کس حج بگذارد و قبر مرا -پس از رحلتم- زیارت کند همانند کسی است که مرا در حال حیات زیارت کرده است [۱۳].

طیالسی با سند خود از عمر روایت کرده که گفت: شنیدم رسول خدا(ص) می فرمود:  
 مَنْ زَارَ قَبْرِي أَوْ مَنْ زَارَنِي كُنْتُ لَهُ شَفِيعاً أَوْ شَهِيداً؛  
 هر کس قبر مرا زیارت کند یا مرا زیارت کند - من شفیع او یا گواه او خواهم بود [۱۴].

### زائران قبر رسول خدا از اهل بیت و صحابه

الف) فاطمه(ع) اولین زائر قبر رسول خدا(ص)  
 ابن جوزی با سند خود از علی(ع) روایت کرده که فرمود: «هنگامی که رسول خدا(ص) دفن گردید، فاطمه(ع) نزد قبر آمد، اندکی ایستاد و سپس مشتی از خاک قبر برگرفت و بر دیده نهاد و گریست و ابیات زیر را ترنم کرد:  
 مَاذَا عَلِيٌّ مِنْ شَمِّ تَرْبَةِ أَحْمَدٍ أَنْ لَا يَشُمَّ مَدَى الزَّمَانِ غَوَالِيًّا  
 صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبٌ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَيَّ الْآيَامِ عُدْنَ لِيَالِيًّا [۱۵].  
 راستی آنکه شمیم سرکویت بویید چه غم از بوی دو عالم به مشامش نرسد  
 بر من آن شد که اگر بر همه ایام رود ظلمت دهر به تاریکی شامش نرسد!  
 ب) ابو ایوب انصاری، زائری که صورت بر تربت پاک رسول الله(ص) می ساید:  
 در مجمع الزوائد به سند خود از ابوداود بن ابوصالح آورده که او گفت: روزی مروان به سوی قبر رسول خدا(ص) نظر کرد و دید مردی صورت خود بر قبر نهاده، گفت: می دانی چه می کنی؟ آن مرد که ابو ایوب انصاری صحابی رسول خدا بود، روی خود به سوی مروان گردانید و گفت: آری [۱۶]. «من به زیارت رسول خدا(ص) آمدم، به زیارت حجر نرفتم [۱۷].»

### خلاصه و نتیجه بحثها

معتقدان به تحریم بنا و بازسازی قبور انبیا و اولیاء و عبادتگاه کردن آنها، با استناد به برخی روایات می گویند:  
 نخست: امام علی(ع) به ابوالهیاج اسدی فرمود:  
 «من تو را به کاری مأموریت می دهم که رسول خدا(ص) مرا مأمور آن کرد. او گفت: رسول خدا(ص) در تشییع جنازه ای بود که فرمود: کدام یک از شما به مدینه می رود تا همه بتهایش را شکسته، همه قبرهایش را صاف و همه صورتهایش را دگرگون نماید؟ مردی برای انجام آن روانه شد، ولی از مردم مدینه ترسید و ناکام بازگشت. امام علی(ع) روانه شد و همه آنها را به انجام رسانید!»  
 نمی توانم فهمید چگونه استدلال کنندگان به این روایت متوجه اشکالات آن نشده اند: آیا رسول خدا(ص) در تشییع جنازه در مکه بوده که فرستاده اش را به مدینه می فرستد و او ناکام بازمی گردد، سپس پسرعمویش علی(ع) را می فرستد و او همه دستورات را انجام می دهد، یا در مدینه بوده؟  
 این تشییع جنازه چه مقدار طول کشیده که فرد اول می رود و ناکام بازمی گردد و پس از او پسرعموی پیامبر(ص) روانه می شود و همه قبور را صاف می کند، و همه صورتها را واژگون و همه بتها را می شکند؟ آیا صاحبان این بتها مسلمان بوده اند؟ اگر چنین بوده، برای چه بتها رانگه می داشتند؟ واگر مشرک بوده اند چگونه به مجرد رفتن پسرعموی رسول خدا(ص) به سوی آنان، تسلیم فرمان او شدند؟ دیگر آنکه، فرمان امام علی(ع) به ابوالهیاج بناچار باید در زمان خلافت آن حضرت باشد. زیرا صدور فرمانی این چنین درباره مردمان یک شهر، تنها از حاکم مقتدر مسلط بر امور ممکن گردد.  
 پس، زمان صدور این فرمان بعد از زمان حکومت خلفای سه گانه بوده است. حال نمی دانم آیا در آن روزگار در سرزمینهای اسلامی بتی بر جای مانده بود تا ابوالهیاج آن را بشکند؟ راستی را که نمی توانم فهمید!

دوم: استدلال آنان به روایت منسوب به رسول خدا(ص) است. می گویند: رسول خدا(ص) فرموده: «قبر مرا بت نکنید بدانگونه که یهود قبور انبیای خود را بت کردند.» نمی توانم فهمید، چه وقت یهود قبور انبیای خود را بت کردند؟ آنان پس از خروج از مصر و سرگردانی در بیابان که برای عبادت، خیمه اجتماع داشتند. در زمان سلیمان هم که آن حضرت برای ایشان عبادتگاه - هیکل سلیمان - بنا نهاد. همان گونه که مسجد رسول الله(ص) در مدینه برای عبادت بنا شد.

اما درباره قبر پیامبرانشان نیز، چنانکه گذشت: برخی از آنان اصلاً محل دفنشان ناشناخته است، برخی نیز در غارهایی در زیر زمین مدفونند و جای دفن آنان را تنها افراد معدودی می دانسته اند.

اما آنچه از رسول خدا(ص) روایت شده که آن حضرت زندهای زیارت کننده قبور را لعنت کرده، نمی تواند در مقابل روایات صحیح و فراوان دیگر هم‌اوردی نماید، روایاتی که رسول خدا(ص) در آنها فرموده: «من خود شما را از زیارت قبور نهی کردم. اکنون آنها را زیارت کنید.»

## پاورقی

[۱] مسند احمد، ج ۱، ص ۸۷-۸۹، ۱۱۰-۹۶، ۱۱۱-۱۲۸، ۱۳۹-۱۳۸، ۱۵۰-۱۴۵؛ مسند طرابلسی، حدیث ۹۶ - ۱۵۵.

[۲] مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۶.

[۳] مسند احمد، ج ۲، ص ۲۸۵.

[۴] سنن ابن ماجه، کتاب جناز، چاپ دار الکتب العربیه (۱۳۷۲ هجری)، ج ۱، ص ۵۰۲، حدیث ۱۵۷۶؛ سنن ابوداود، کتاب جناز، ج ۳، ص ۲۱۸، حدیث ۳۲۲۶؛ مسند احمد، چاپ مصر (۱۳۱۳ هجری)؛ ج ۲، ص ۳۳۷ و ۳۵۶؛ سنن ترمذی ابواب جناز، چاپ مصر (۱۳۵۰ هجری)؛ ج ۲، ص ۲۷۶.

[۵] مسند احمد، ج ۱، ص ۸۹ و ۹۶.

[۶] تورات، ترجمه فارسی از عبرانی و کلدانی و یونانی، ص ۳۵.

[۷] معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۶۸.

[۸] سوره کهف، آیه ۲۱.

[۹] به تفسیر آیات در کتب تفسیر مراجعه شود.

[۱۰]

[۱۱] طبقات ابن سعد، چاپ بیروت، ۱۳۷۶ هجری، ج ۱، ص ۱۱۶؛ سنن نسائی، کتاب جناز، ج ۱، ص ۲۶۷؛ سنن ابی داود، حدیث ۳۲۳۴؛ سنن ابن ماجه، حدیث ۱۵۷۲.

[۱۲] طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۲۹۴-۲۹۲؛ سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۴۳.

[۱۳] سنن کبرای بیهقی، ج ۵، ص ۲۴۶؛ سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۲۷۸؛ اتحاف الساده المتقین، زبیدی، ج ۴، ص ۴۱۶؛ ترواء الغلیل، البانی، ج ۴، ص ۳۳۵؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۷۰؛ مجمع الزوائد، هیشمی، ج ۴، ص ۲؛ درالمنثور، سیوطی، ج ۱، ص ۲۳۷؛ معجم الکبیر، طبرانی، ج ۱۲، ص ۴۰۷.

[۱۴] مسند طرابلسی (متوفای ۲۰۴ هجری)، ص ۱۲؛ کنز العمال، ج ۲۰، ص ۱۶۱؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۶؛ المطالب العالیه، ابن حجر، ص ۱۲۵۴؛ درالمنثور، سیوطی، ج ۱، ص ۲۳۷؛ معجم الکبیر، طبرانی، ج ۱۲، ص ۴۱۷.

[۱۵] مثير الغرام الساکن، ص ۳۰۰.

[۱۶] می دانم چه می کنم.

[۱۷] مجمع الزوائد، کتاب الخلافه، چاپ بیروت، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۲۴۵. این روایت با عبارات دیگری در ج ۴، ص ۲، همین کتاب نیز آمده است. و نیز: مسند احمد، ج ۵، ص ۲۲۴؛ مستدرک حاکم، ج ۵، ص ۵۱۵.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

